

۱- کِر کگور از «ایمانو به عنوان ..... یاد می کند.

« پاسخ »

کِر کگور از «ایمانو به عنوان هدیه‌ی خداوند یاد می کند.

۲- ویلیام جیمز، دلیل وجود خدا را ..... انسان می داند.

« پاسخ »

ویلیام جیمز، دلیل وجود خدا را تجربه‌های شخصی درونی انسان می داند.

۳- تجربه‌گرایان در اثبات وجود خدا یا به ..... متوسل می شوند یا ..... .

« پاسخ »

تجربه‌گرایان در اثبات وجود خدا یا به وجود نظم در جهان متوسل می شوند یا شهود.

۴- مبنای برهان دکارت در اثبات وجود خدا ..... است.

« پاسخ »

مبنای برهان دکارت در اثبات وجود خدا تصویر ذهنی از موجود نامتناهی است.

۵- تیلور معتقد است ..... مبدع خدانشناسی فلسفی است.

« پاسخ »

تیلور معتقد است افلاطون مبدع خدانشناسی فلسفی است.

۶- یونانیان ..... را خدای آسمان ..... را خدای خورشید می دانستند.

« پاسخ »

یونانیان ژئوس را خدای آسمان آپولون را خدای خورشید می دانستند.

۷- حکیمان ایران باستان، نخستین مخلوق را ..... می نامیدند.

« پاسخ »

حکیمان ایران باستان، نخستین مخلوق را بهمن می نامیدند.

۸- دو عبارت زیر را بخوانید و با توجه به آنچه در این درس خوانده‌اید، یکی از آن‌ها را انتخاب کنید و نظر خود را توضیح دهید.

- ۱- اعتقاد به خدا نیازی درونی است. از این‌رو، انسان به سوی این نیاز درونی حرکت می‌کند و با این اعتقاد، به زندگی خود معنا و ارزش می‌دهد. بنابراین، بدون استدلال بر وجود خدا هم می‌توان این نیاز را برطرف کرد.
- ۲- اعتقاد به خدا یک نیاز درونی است و فرض جهان بدون خدا تصویری مبهم و بدون معنا از جهان به ما می‌دهد اما وقتی این نیاز با اثبات وجود خدا همراه باشد، جایگاه خدا در زندگی استحکام و پایداری بیشتری می‌یابد.

« پاسخ »

۹- داستایوفسکی در رمان «برادران کارامازوف» از قول یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «اگر خدایی وجود نداشته باشد، آن وقت هر کاری مجاز است.»

مقصود از «مجاز» در این جمله چیست؟

چرا بدون خدا هر کاری مجاز است؟

این جمله‌ی داستایوفسکی شما را به یاد کدام دیدگاه درباره‌ی خدا می‌اندازد؟

« پاسخ »

۱۰- گفته شده است که کانت به جای اثبات وجود خدا، نیاز انسان به وجود خدا را مطرح می‌کند. به عبارت دیگر، کانت می‌گوید که اگر خدا را فرض نکنیم و در ذهن خود نداشته باشیم، عمل اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی ممکن نیست.

این دیدگاه را تحلیل و بررسی نمایید.

« پاسخ »

۱۱- نظر دیوید هیوم را بررسی و جنبه‌های مثبت و منفی آن را مشخص کنید.

« پاسخ »

۱۲- دکارت، فیلسوف عقل‌گرای قرن هفدهم، در یکی از استدلال‌های خود می‌گوید: من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله‌ی او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.

این تصور نمی‌تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی‌ام.

پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است؛ اوست که می‌تواند چنین ادراکی به من بدهد.

نظر شما درباره‌ی این استدلال چیست؟

آیا این استدلال می‌تواند یک وجود نامتناهی را اثبات کند؟

« پاسخ »

۱۳- ارسطو در توصیفاتى که از خدا و مبدأ نخستین جهان مى‌کند، از عباراتى چون شریف‌ترین موجود، خیر و جمال و زیبایی، ضرورتاً موجود، محرک غیرمتحرک، دارای حیات، تغییرناپذیر، دارای عالی‌ترین اندیشه و فعلیت تام و کامل و بالذات استفاده مى‌کند. این عبارات گویای آن است که وی علاوه بر قبول موجودات غیرمادی، در میان آنها یک موجود را برتر مى‌داند و او را مبدأ همه‌ی امور تلقی مى‌کند و بدین ترتیب، قدمی بزرگ در راه خداشناسی فلسفی برمی‌دارد.

درباره‌ی عبارت‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، بیندیشید و مقصود ارسطو را از آنها توضیح دهید.

« پاسخ »

۱۴- کدام گزینه از ثمرات زندگی معنادار محسوب نمی‌شود؟

- (۱) اطمینان به آینده (۲) احساس آرامش (۳) یافتن مأمنی حقیقی (۴) اعتقاد به وجود خدا

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اعتقاد به وجود خدا، علت معنابخشی به زندگی است نه از ثمرات و نتایج زندگی معنادار. به عبارت دیگر، وقتی به خدا اعتقاد داشته باشیم، زندگی دارای معنا خواهد بود نه برعکس.

۱۵- منظور دقیق فیلسوفان معاصر از «زندگی معنادار» چیست؟

- (۱) زندگی براساس فرامین و دستورات الهی (۲) زندگی سرشار از تجربه‌های عرفانی و معنوی  
(۳) زندگی دارای هدف و ارزش‌های اخلاقی (۴) زندگی غیر روزمره و همراه با تفکر فلسفی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فیلسوفان معاصر معتقدند زندگی وقتی معنادار است که انسان در آن دارای هدف و غایت باشد و براساس ارزش‌های اخلاقی زندگی کند. در غیر این صورت، هیچ چیزی در زندگی به معنای واقعی، ارزشمند و بااهمیت نخواهد بود و انسان دچار پوچی خواهد شد.

۱۶- کدام فیلسوف اثبات وجود خدا را به هر نحوی محال مى‌داند؟

- (۱) کنت (۲) جان لاک (۳) بارکلی (۴) برگسون

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اوگوست کنت و دیوید هیوم معتقد بودند که نمی‌شود خدا را از طریق تنها ابزار معتبر شناخت؛ یعنی حس و تجربه شناخت. پس هرگونه اثبات وجود خدا محال است. جان لاک و بارکلی معتقد بودند با رجوع به نظم موجود در طبیعت و برگسون معتقد بود از طریق تجربه‌های معنوی و درونی می‌توان به شناخت خدا دست یافت.

۱۷- کدام گزینه با برهان کانت درباره‌ی اثبات وجود خدا ناسازگار است؟

- (۱) انسان هرگز بدون وجود نفس، اراده و اختیار نخواهد بود.
- (۲) جامعه بدون مسئولیت‌پذیری و رعایت اصول اخلاقی نابود می‌شود.
- (۳) سعادت نفس بدون وجود جهانی غیرمادی و نامتناهی ممکن نیست.
- (۴) تصور جهان نامتناهی بدون وجود چنین جهانی برای نفس محال است.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کانت در برهان خویش نمی‌گوید تصور جهان نامتناهی بدون وجود چنین جهانی محال است، بلکه می‌گوید تصور سعادت نفس بدون وجود چنین جهانی ناممکن است؛ یعنی از نظر او، اگر جهانی نامتناهی موجود نباشد، نفس هیچ‌گاه به سعادت حقیقی نمی‌رسد. سایر گزینه‌ها از مقدمات استدلال کانت محسوب می‌شوند.

۱۸- مهم‌ترین نقد به برهان اثبات خدای کانت چیست؟

- (۱) وجود یک واجب‌الوجود بالذات را پیش‌فرض گرفته است.
- (۲) بر مبنای تصور ذهنی یک موجود نامتناهی استوار است.
- (۳) نیاز انسان به وجود خدا را اثبات می‌کند نه وجود او را.
- (۴) الزام انسان به رعایت اخلاق را اثبات می‌کند نه وجود خدا را.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. یکی از جدی‌ترین نقدها به برهان کانت این است که او در استدلالش، نیاز انسان به وجود خداوند را مطرح می‌کند نه این‌که لزوماً وجود خدا را اثبات کند.

۱۹- از نظر کانت، اگر انسان‌ها در زندگی خود حدودی از اخلاق را رعایت نکنند، آن‌گاه ..... .

- (۱) اراده و اختیار انسان بی‌معنا خواهد شد.
- (۲) وجود نفس انسان زیر سؤال می‌رود.
- (۳) زندگی اجتماعی انسان‌ها متلاشی می‌شود.
- (۴) اثبات وجود خداوند ناممکن می‌شود.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کانت می‌گوید اگر انسان‌ها در زندگی خود حدودی از اخلاق را رعایت نکنند، هرج و مرج پدید می‌آید و زندگی انسان متلاشی می‌شود؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است و بدون رعایت اصول اخلاقی و مسئولیت‌پذیری زندگی جمعی ممکن نخواهد بود.

۲۰- هیوم می‌گوید برهان نظم تنها ..... را اثبات می‌کند نه ..... را.

- (۱) ناظم - نظم جهان
- (۲) خالق - ناظم
- (۳) ناظم - واجب‌الوجد بالذات
- (۴) علت‌العلل - نظم جهان

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هیوم می‌گوید برهان نظم تنها ناظم جهان را اثبات می‌کند نه یک خالق و واجب‌الوجود بالذات را.

۲۱- نظر هیوم درباره‌ی برهان نظم چیست؟

- (۱) اعتباری ندارد؛ زیرا هیچ شناختی به ما نمی‌دهد. (۲) قطعاً مهم‌ترین برهان در اثبات وجود خداست.  
(۳) خدا را اثبات نمی‌کند؛ زیرا مبنای عقلی محض دارد. (۴) گرچه تجربی است؛ ناظم جهان را اثبات نمی‌کند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. هیوم معتقد است که برهان نظم، مهم‌ترین برهان در اثبات وجود خداست؛ زیرا از تجربه گرفته شده. اما این برهان نیز ناکافی است؛ زیرا تنها وجود یک ناظم و مدبر برای جهان را اثبات می‌کند نه یک خالق و واجب‌الوجود بالذات را.

تذکر: هیوم معتقد نیست که برهان نظم هیچ شناختی به ما نمی‌دهد؛ زیرا دست‌کم می‌تواند بگوید هر نظامی نیازمند یک ناظم است و اگر طبیعت را دارای نظم بدانیم، پس ناظم و مدبری هم در کار خواهد بود.

- ۲۲- بیش‌ترین تأکید بر برهان نظم برای اثبات وجود خدا توسط چه کسانی صورت می‌گرفت؟  
(۱) تجربه‌گرایان (۲) پیروان ارسطو (۳) عقل‌گرایان (۴) فیلسوفان معاصر

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از آن‌جایی که تجربه‌گرایان استدلال و شناخت عقلانی محض را قبول ندارند، ناچار بودند برای اثبات وجود خدا، یا از وجود نظم در طبیعت شروع یا از طریق شهود درونی خدا را اثبات کنند.  
تذکر: فیلسوفان معاصر معمولاً از طریق پیوند میان «اعتقاد به خدا» و «معنابخشی به زندگی» وجود خدا را اثبات کنند.

۲۳- براساس قواعد فلسفی مربوط به رابطه‌ی علّیت، می‌توان گفت برهان دکارت برای اثبات وجود خدا بر ..... استوار است.

- (۱) سنخیت علّت و معلول (۲) وجوب علّی و معلولی (۳) تقدم وجوب بر وجود (۴) نفی اتفاق

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در برهان دکارت، گفته می‌شود که تصور موجود «نامتناهی» نمی‌تواند ناشی از یک موجود «متناهی» باشد. پس او در این‌جا از سنخیت داشتن علّت و معلول صحبت می‌کند.

- ۲۴- با توجه به برهان اثبات وجود خدای دکارت، کدام گزینه با دیدگاه دکارت سازگار است؟
- ۱) موجود ممتناهی نمی‌تواند تصویری از موجود ناممتناهی داشته باشد.
  - ۲) موجود ناممتناهی نمی‌تواند تصویری از موجود ممتناهی داشته باشد.
  - ۳) تصور موجود ناممتناهی نمی‌تواند توسط موجود ممتناهی ساخته شود.
  - ۴) تصور موجود ممتناهی نمی‌تواند توسط موجود ناممتناهی ساخته شود.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دکارت می‌گوید «من به عنوان موجودی ممتناهی، تصویری از موجود ناممتناهی در ذهن دارم.» پس هم موجود ممتناهی می‌تواند از موجود ناممتناهی تصویری داشته باشد. چنان‌که در واقعیت هم ما تصویری از خدا داریم و هم موجود ناممتناهی می‌تواند از یک موجود ممتناهی تصویری داشته باشد؛ زیرا موجود ناممتناهی هیچ محدودیتی ندارد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) از طرف دیگر، دکارت می‌گوید موجود ممتناهی توانایی ساخت تصور ذهنی از موجود ناممتناهی را ندارد (تأیید گزینه‌ی ۳)؛ اما برعکس آن درست نیست؛ زیرا موجود ناممتناهی به هر کاری توانمند است. (رد گزینه‌ی ۴)

- ۲۵- اصلی‌ترین مبنای استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا چیست؟
- ۱) وجود نظم در جهان طبیعت
  - ۲) وجود نیایی ماورای ماده
  - ۳) وجود تصویری از موجود ناممتناهی
  - ۴) تهدید معناداری زندگی

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در استدلال دکارت، او از وجود یک تصور از موجودی ناممتناهی به وجود واقعی آن موجود ناممتناهی می‌رسد.

- ۲۶- کدام گزینه درباره‌ی براهین اثبات خدای ارسطو نادرست است؟
- ۱) وجود خداوند را به عنوان مبدأ نخستین جهان اثبات می‌کنند.
  - ۲) خداوند را مبنایی برای رعایت اخلاق و خویش‌داری در نظر می‌گیرند.
  - ۳) با وجود ابتدایی بودنشان، دارای استحکام منطقی هستند.
  - ۴) زمینه را برای ارائه برهان از سوی فیلسوفان بعدی مهیا کرده‌اند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. براهین ارسطویی از اصول اخلاقی استفاده نمی‌کنند، بلکه در پی اثبات والاترین و برترین موجود هستند. این براهین عقلی و استدلالی محض‌اند.

۲۷- ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه می‌گوید؛ بدون وجود ..... نظم و انتظامی بر جهان هستی حاکم نخواهد بود.  
 (۱) خدایی دارای اعتدال (۲) اصول اخلاقی (۳) خداوندی شریف (۴) خدایی مجرد

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه می‌گوید: «نمی‌شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد، بدون این‌که موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.» موجود برتر از ماده همان خداوند مجرد از ماده است.

۲۸- ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه و در اثبات وجود خدا می‌گوید:  
 (۱) هر جا بدی باشد، خوبی هم در کار است.  
 (۲) میان موجودات خوب و بدی وجود ندارد.  
 (۳) هر جا که بهتر وجود دارد، بهترین نیز هست.  
 (۴) هر جا بهترین باشد، بدترین نیز هست.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه می‌گوید «به طور کلی، هر جا یک خوب‌تر و بهتر وجود دارد، خوب‌تر و بهترین نیز هست. حال در میان موجودات، برخی خوب‌تر و بهتر از برخی دیگرند. پس حقیقتی هم که خوب‌ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.»

۲۹- آنچه افلاطون را از فیلسوفان پیش از او در مباحث خداشناسی جدا می‌کند، چیست؟  
 (۱) اعتقاد افلاطون به خدایی یگانه و معین  
 (۲) صحبت از خدا با دقتی فلسفی و استدلالی  
 (۳) غیرمادی و مجرد دانستن خداوند  
 (۴) اعتقاد او به جاودانگی هستی برتر

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فیلسوفان پیش از افلاطون؛ مانند سقراط نیز به خدایی یگانه و جاودان اعتقاد داشتند و آن‌را مجرد و غیرمادی می‌دانستند. اما افلاطون نخستین کسی بود که با دقت و زبانی فلسفی درباره‌ی خدا صحبت کرد. همین مسئله او را از فیلسوفان پیش از او جدا کرد. به نحوی که برخی او را مبدع خداشناسی فلسفی دانسته‌اند.

۳۰- افلاطون در رساله‌ی قوانین می‌گوید: هر که بخواهد محبوب خدا شود باید .....  
 (۱) از دایره‌ی اعتدال پا بیرون نگذارد.  
 (۲) به خلقت آگاهانه ایمان بیاورد.  
 (۳) وجود خدایان متعدد را انکار کند.  
 (۴) به تعقل و تفکر روی بیاورد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. افلاطون در رساله‌ی قوانین می‌گوید «هر که بخواهد محبوب خدا شود، باید در حد امکان شبیه او شود. بنابراین، از میان ما تنها کسی محبوب خداست که خویشتن‌دار باشد و پا را از دایره‌ی اعتدال بیرون نگذارد.»

- ۳۱- براساس فلسفه‌ی افلاطون، کدام گزینه درباره‌ی عالم هستی نادرست است؟
- (۱) در عالم، نوعی هستی وجود دارد که ثابت است. (۲) جدا از عالم ماده، عالم مجردات نیز وجود دارد. (۳) جهان هستی فاقد هدف مشخص و معین است. (۴) برخی موجودات تنها با تعقل محض درک می‌شوند.

## « پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از نظر افلاطون، کار خداوند هدف‌دار است؛ حال از آن‌جایی که او خالق هستی است، پس عالم دارای هدف خواهد بود. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خداوند نوعی از هستی است و افلاطون آن را ثابت و تغییرناپذیر می‌داند.

گزینه ۲: خداوند امری نامحسوس است. موجود نامحسوس قطعاً غیرمادی و مجرد است. پس بخشی از هستی را باید مجرد از ماده دانست.

گزینه ۴: خداوند و تمامی موجودات مجرد، تنها با تعقل محض درک می‌شوند.

- ۳۲- کدام عبارت افلاطون نشان‌دهنده‌ی تجرد خداوند از نظر اوست؟
- (۱) خداوند نه می‌زاید و نه از میان می‌رود. (۲) خداوند فاقد تغییر و دگرگونی است. (۳) خدا را نمی‌شود از طریق حواس شناخت. (۴) معیار هر چیزی خداست؛ نه این یا آن فرد.

## « پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اصطلاح «تجرد» در فلسفه به معنای غیرمادی بودن است. نه تک و تنها بودن. وقتی افلاطون می‌گوید خدا را نمی‌شود از طریق حواس شناخت، به مجرد بودن خدا اشاره می‌کند؛ زیرا امر مجرد از ماده را نمی‌شود با حواس درک کرد.

- ۳۳- در نظر افلاطون، خلقت از جانب خدا امری ..... است.
- (۱) آگاهانه و هدف‌دار (۲) پیوسته ثابت (۳) برتر از ماده (۴) بالقوه

## « پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. افلاطون کار خداوند را هدف‌دار می‌داند و می‌گوید خلقت خداوند آگاهانه است.

گزینه ۲: ثابت بودن ویژگی خود خداوند است نه خلقت او.

گزینه ۳: خلق موجودات مادی نیز توسط خداوند انجام شده است.

گزینه ۴: بالقوه بودن خلقت اصلاً معنا ندارد. کاری که صورت گرفته، تبدیل به فعلیت شده است.



۳۴- کدام گزینه با دیدگاه خداشناسی فلسفی افلاطون سازگارتر است؟

- ۱) در فلسفه‌ی افلاطون، خداوند دارای ویژگی‌های مشخص و معین است.
- ۲) براهین افلاطون در اثبات وجود خدا، زمینه‌ساز گام‌های بعدی در این راه بود.
- ۳) در فلسفه‌ی افلاطون، خدایان متعدد، هر یک دارای ویژگی مخصوص به خود هستند.
- ۴) افلاطون نخستین فیلسوفی بود که برای اثبات وجود خدا، از استدلال قیاس استفاده کرد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تیلور می‌گوید خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی‌های مشخص است و این با باور به چندخدایی از اساس تعارض دارد. تذکر: برهان و استدلال برای اثبات وجود خدا، نخستین بار توسط ارسطو ارائه شد نه افلاطون.

۳۵- کدام گزینه درباره‌ی حکیمان دوره‌ی ایران باستان نادرست است؟

- ۱) تمام هستی را ناشی از اشراق خداوند می‌دانستند.
- ۲) از خالق کل هستی با عنوان «بهمن» یاد می‌کردند.
- ۳) جهان را مخلوق خداوندی حکیم معرفی می‌کردند.
- ۴) به طور خاص از نخستین مخلوق صحبت کرده‌اند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حکیمان ایران باستان، خداوند را «نور هستی» می‌نامیدند و از نخستین مخلوق او با نام «بهمن» یاد کرده‌اند.

۳۶- دلیل تلاش فیلسوفان معاصر برای پیوند زدن معناداری زندگی به وجود خدا چیست؟

- ۱) تضعیف تجربه‌گرایی و نبود تجربه‌های شخصی از خدا
- ۲) بی‌معناشدن زندگی معاصر به دلیل تضعیف فلسفه
- ۳) سیر نزولی استدلال‌های عقلی در اثبات وجود خدا
- ۴) غلبه‌ی عقل‌گرایی افراطی در جریان‌های فلسفی معاصر

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فیلسوفان معاصر پس از سیر نزولی استدلال‌های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

۳۷- بسیاری از فیلسوفانِ خدا‌باور در قرن بیستم و بیست‌ویکم، به جای اثبات عقلی وجود خدا، ..... .

- ۱) از تلاش برای شناخت خدا دست کشیدند.
- ۲) براهین اخلاقی برای وجود خدا ارائه کردند.
- ۳) آرامش روانی و درونی انسان را اولویت قرار دادند.
- ۴) به رابطه‌ی معنای زندگی و اعتقاد به خدا تأکید کردند.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از آنجایی که در دوره‌ی معاصر، استدلال‌های عقلی در اثبات وجود خدا تضعیف شده است، بسیاری از فیلسوفان معتقد به خدا، سعی کردند بر رابطه‌ی میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه و تأکید کنند.

۳۸- کدام فیلسوف برای اثبات وجود خدا به تجربه‌ی شخصی و درونی انسان از خدا متوسل می‌شود؟  
 (۱) دکارت (۲) جیمز (۳) هیوم (۴) جان لاک

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ویلیام جیمز برای اثبات خداوند، به تجربه‌های معنوی درونی، عشق و عرفان متوسل می‌شود.

۳۹- در نظر کانت، مسئولیت‌پذیری و اصول اخلاقی تنها در جایی معنا دارد که .....  
 (۱) خداوند به رعایت آن‌ها امر کرده باشد. (۲) موجب کسب فضیلت و نتیجه شود.  
 (۳) انسان دارای اراده و اختیار باشد. (۴) جامعه‌ی انسانی دارای هدف باشد.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در نظر کانت، مسئولیت‌پذیری و اصول اخلاقی تنها در جایی معنا دارد که انسان دارای اراده و اختیار باشد.

۴۰- کانت سعی می‌کند تا وجود خداوند را از طریق استدلالی بر مبنای ..... اثبات کند.  
 (۱) وجود جهانی نامتناهی (۲) اخلاق و وظایف اخلاقی  
 (۳) تصور یک موجود نامتناهی (۴) نظم موجود در جامعه‌ی انسانی

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کانت به جای استفاده از برهان علیت یا وجود و امکان، وجود خداوند را از طریق استدلالی بر مبنای اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات می‌کند.

۴۱- هیوم می‌گوید از نظم جهان نمی‌توان وجود یک ..... را اثبات کرد.  
 (۱) واجب‌الوجود بالذات (۲) ناظم و مدبر (۳) موجود متناهی (۴) ممکن‌الوجود بالذات

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. هیوم می‌گوید از نظم جهان نمی‌توان وجود یک واجب‌الوجود بالذات یا موجود نامتناهی را اثبات کرد، بلکه تنها وجود یک ناظم و مدبر برای طبیعت اثبات می‌شود.

۴۲- ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه می‌گوید «نمی‌شود یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد؛ اما .....»  
 (۱) نظم‌دهنده به عالم همان خالق عالم هستی باشد. (۲) هستی دارای دو بخش مادی و غیرمادی باشد.  
 (۳) تمام موجودات جهان آگاه و متفکر نباشند. (۴) موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار نباشد.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه می‌گوید «نمی‌شود یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد؛ بدون این‌که موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.»

۴۳- کدام فیلسوف برای اولین بار از استدلال قیاس برای اثبات وجود خدا استفاده کرد؟  
 (۱) ارسطو (۲) افلاطون (۳) دکارت (۴) سقراط

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ارسطو نخستین فیلسوفی است که با استفاده از استدلال قیاسی، برهانی در اثبات وجود خدا ارائه کرد و با این کار، زمینه‌ی گام‌های دیگر در این مسیر را فراهم نمود.

۴۴- کدام فیلسوف را می‌توان ابداع‌کننده‌ی خداشناسی فلسفی دانست؟  
 (۱) سقراط (۲) افلاطون (۳) دکارت (۴) ارسطو

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. افلاطون نخستین فیلسوفی بود که با دقتی فلسفی و استدلالی درباره‌ی خداوند صحبت کرده است؛ به همین دلیل می‌توان او را ابداع‌کننده‌ی خداشناسی فلسفی دانست.

۴۵- یونانیان باستان، ..... را خدای ..... می‌دانستند.  
 (۱) آپولون - آسمان (۲) زئوس - هنر (۳) آرتیمیس - خویشن‌داری (۴) زئوس - خورشید

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در اعتقاد یونانیان، آرتیمیس خدای عفت و خویشن‌داری، زئوس خدای آسمان و باران و آپولون خدای هنر و خورشید است.